

## راز وهراس و ادگار آلن پو.\* ترجمه مریم شرافتی

۱۲۱ نوشته های پو، حاکی از دو جنبه شخصیتی او هستند. وی ابتدا به ورطه ها سقوط می کند ولی بعد روشن بینی، جایگزین آن شده و او برخودش مسلط می شود. او رؤیا پردازی منفعل است و اهمیتی به دنیای خارج از رؤیاهایش نمی دهد. رؤیاهایش چون واقعیتی می درخشند. ترس و سقوط به ورطه ها دنیای وی را تسخیر کرده اند: ترس از زندگی، عشق به مرگ، جاذبه های سقوط و غیره. داستان هایش ملغمه ای از تمایلات بیمارگونه اند. و سوسه قتل، خون آشامی، نکروفیلیا، گرایش به خودکشی، شیدایی انزوا طلبی، سادیسم، مازوخیسم، آدمخواری و غیره. او دروناً فردی شکاک بوده، از این رو روابط عاشقانه ای که تصویر کرده است چنان طنز سیاهی دارد که بربل خواننده اش لبخند می نشانند. با این حال آن هراس درونی همچنان پررنگ تر است. البته این توصیفات بدین معنی نیست که وی از آثار هافمن تقلید کرده است. «سوزة اغلب آثار من هراس است.» وی ادامه داده: «منشا این هراس آلمان نیست، بلکه روح من است.»

هراس و جاذبه نیستی در روح و جان وی جریان دارند. از دیدگاه پو، نیستی وضعیت عادی زندگی بشر است. بی شک نفرت باعث رشد

And all I lov'd - I lov'd alone -  
Thou - in my childhood - in the days  
Of a most stormy life - was drawn  
From every depth of good or ill  
The mystery which binds me still -  
From the torrent, or the fountain -  
From the red cliff of the mountain -  
From the sun that round me roll'd  
In its autumn tint of gold -  
From the lightning in the sky  
As it pass'd and flung me by -  
From the thunder, & the storm -  
And the cloud that took the form  
(When the rest of Heaven was blue)  
Of a demon in my view -

E. A. Poe

Baltimore, March 17. 1829.

تصورات و رؤیاهایش شده است. گفته اند ما از اجدادمان بهتریم. این مطلب، قابل ملاحظه است چراکه گذشته نه تنها رکن سازنده ای برای حال بلکه برای آینده است. به عبارتی هر فردی آینده ساز است.»

طبق نظر بودلر، پو نه تنها نویسنده ای رویا پرداز و احساساتی است، بلکه نویسنده ای است که بیانگر دردها و رنج هاست. به عبارتی وی نویسنده ای روان پریش است. مادر و همسر - فرزند وی چون شبحی افسونگر همه جا حضور دارند. عشق و مرگ از تباط لاینفکی دارند.

۱۲۳

با این حال درون چنین شخصیتی، یک روان شناس، یک آدم منطقی و یک عقل گرانیز وجود دارد. آثار وی، «دوقتل در خیابان مورگو»، «نامه ای در پرواز»، «سوسک طلایی»، «اسرار ماری روز» و «مائلزل کیش می کند» حاکی از عصبان، معماها و تجسس درونی وی هستند. پو در کتاب اور کابا تصویر زنان داستانش، استعداد خود را در چنین چیزهایی تجزیه و تحلیل کرده و به مسائل خسته کننده فلسفی پرداخته است. وی رمان پلیسی - جنایی «دوقتل در خیابان مورگو» را بر اساس عشقی دور از تصورات و خیال پرداز می نوشته است. از آنجا که دغدغه کتاب، یافتن راه حلی روان شناختی است، بدیهی به نظر می رسد که موضوع کتاب جنایی باشد. ولی این طور نیست. با این حال تحول شخصیت اصلی داستان، مانند یک مسأله ریاضی منطقی است.

پو، پس از گذر از دوران اولیه داستان نویسی اش، به مهارت و استادی در نوشتن و همچنین

تصویر ادگار آلن پو.

بینش عمیقی در خلق آثارش دست می یابد. «او با طرح جزئیات موشکافانه و روندی معقولانه به خلق آثاری اصیل می پردازد». بدین ترتیب به فلسفه نگارش خود دست می یابد. گواه آن شعر «کلاغ» است. این شعر به او الهام نشده است بلکه از روی منطق و دلیل سروده شده است! مبارزه طلبی های وی در این شعر قانع کننده نیست. (شعر کلاغ در زبان انگلیسی بسیار مورد تحسین قرار گرفته است). با اینکه کلاغ بانگ



رنج‌ها، دردها و فریادهای عالمانه است. روان‌پیشی و هراس رکن اساسی آن را تشکیل می‌دهند.

پو به عنوان نظریه پرداز داستان، در این ژانر ادبی به یک فرم هنری برتر دست پیدا می‌کند که هدفش به هیچ وجه واقع‌گرایی نیست. وی از منحصر به فرد بودن سوژه‌های آثارش، هماهنگی جزئیات، زبان موجز، هماهنگی زمان و مکان و گره‌گشایی غایی دفاع می‌کند. «او کلامی نمی‌نویسد مگر اینکه در گره‌گشایی و نتیجه‌داستانش نقش داشته باشد.» با اینکه وی وامدار بعضی نویسندگان رمانیک مثل شلی است، منحصر به فرد است. زیرا «هر کلمه از نوشته‌هایش بازتاب تصورات درونی‌اش است.» آثار وی بیانگر هراس درونی و هوش و استعدادی لاینفک اند که از ذهن یک کارآگاه هوشمند تراوش می‌کند. این کتاب بازبانی موجز و بی تفاوت و با طرحی فانتزی، خواننده را به درک معمای هراس انگیز وضعیت کنونی بشر راهنمایی می‌کند. در میان آثار پو، «سقوط خاندان آشر» بسیار تأثیرگذار بوده است. قهرمان این کتاب تصویر شخصیت پو است. شخصیتی مغلوب هیولاها و زندگی از هم پاشیده، شخصیتی منزوی و حساس. نقطه تلاقی هراس و تقدیر کتاب (Metzengerstein) است. تمامی این نشانه‌ها و احساسات ویژه و احساس گناه و مجرم بودن در طول داستان تجزیه و تحلیل می‌شوند و بسط پیدا می‌کنند. ولی در داستان «عشق آشکار» اثری از عوامل ماوراءالطبیعه نیست در عوض تک تک عناصر داستان در اوج خود هستند. درست مانند آثار داستایفسکی.

بودلر در ترجمه آثار پو، توانسته است به بهترین وجه به سبک وی دست یابد. تأثیر پو بر بودلر و همچنین تاریخ ادبیات پر واضح است. تأثیرات پو نشان از دنیای آثارش دارند. بودلر نیز در دنیای درون خود به واقعیتهای مشابه رسیده و بدآقبالی، به واقعیتهای مطلق بری او بدل شده است.

چنین برمی‌آید که پو از جمله نویسندگانی بوده که به طرز خارق‌العاده‌ای در مورد موضوعات گوناگون و حتی متناقض می‌نوشته است. با این حال عشق به انزوا و وسوسه‌نیستی، موضوعات اصلی اشعار بودلر و مالارمه بوده‌اند. چنانکه موضوعات اصلی پو نیز بوده‌اند. برداشت آنها از خلق آثار ادبی کلاسیک، - عقل‌گرایی، نفی برتری، عرفان و همچنین علاقه به طنز و نفرت از دموکراسی - باعث شد تا آنها به نظریه‌پردازان عقل‌گرایی و در عین حال ضد انقلاب‌گرایی تمایل پیدا کنند. بدین ترتیب تصویر موراس به عنوان آوازه‌خوان اشعار آنها شکل می‌گیرد. عقده‌ها و

سرگذشت پو سوژة جالبی برای مطالعات روان‌شناسان سرشناس از جمله ماری بناپارت و ژاک لاکان بوده است. (تحلیل کتاب «نلمه‌ای در پرواز» اثری ماندگار از این دو است). ارتباط رمزآمیز وی با دنیای خارج، موضوع اصلی کتاب باشلار تحت عنوان «آب و روپناه» است. از سوی دیگر نظریه‌های هنری به پل والرئ و تی-اس الیوت در خلق آثارشان کمک کرد. همچنین پیدایش رمان پلیسی به جریانی بدل شد که منجر به خلق سبک‌های ادبی قرن بیستم گردید. در نهایت، می‌توان گفت که برخی نویسندگان قرن بیستم تحت تأثیر پرسوناژهای ساخته و پرداخته این دوره هستند. هایسمن در واقع رودریک آشرف جدید است.

۱۲۵

زندگی این نویسنده در شرق آمریکا در بوستن و چارلستون گذشت. او می‌خواست غرب را فتح کند و بدین ترتیب کلام خود را یافت. وی استاد ترکیب چیزهای مختلف و فاتح کلام، تجسم یک نویسنده کامل است. کسی است که خود را میان نوشتن و زندگی کردن تقسیم می‌کند. او مدرنیته را در کنار خیالات و هراس‌های پایان‌ناپذینی آورده است. ترس‌های شبانه، هراس از مرگ، سکوت و نیستی، آثار پو از اعماق وجودش، از جراحات پنهان و وسوسه‌های بشری نشأت گرفته‌اند. شیوه‌ای که پیش از پو، دانته و بعد از وی کافکا به کار برده بود. شیوه‌ای که هرگز کهنه نمی‌شود. سقوط خاندان آشرف یک اثر انسانی است. ♦♦♦

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



موسسه تخصصی  
آموزش علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پشتل بچ علوم انسانی